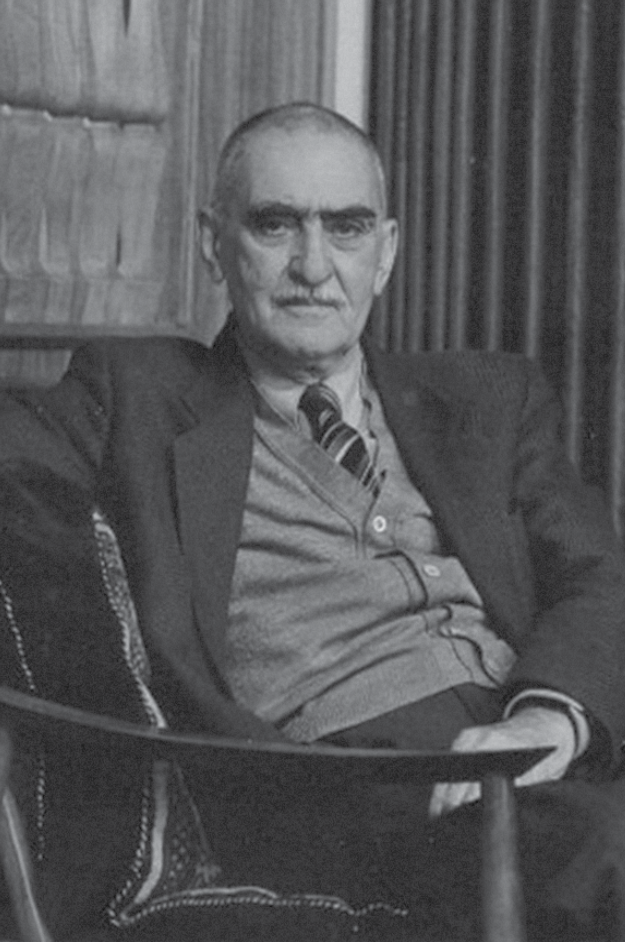


Seyyid Abdollah Anvar, "The Memorable Iraj Afshar,"
Iran Nameh, 27:1 (2012), 66-71.

زنده یاد ایرج افشار

سید عبدالله انوار

جغرافی‌دان و نسخه‌شناس



عکس از مهرداد اسکویی، منبع: گنجینه پژوهشی ایرج افشار

در اینکه مرگ زنده نام ایرج افشار یک ضایعه بزرگ و به قول طلاب ثلمه‌ای برای امور کتابداری و ایران‌شناسی این کشور بود جای هیچ‌گونه شک و شبهی نیست و هر پندار خلاف آن در نظر کسانی که با کارهای کتابداری و ایران‌شناسی و فهرست‌نگاری سر و کار دارند مکابره‌ای است با عقل. لذا آنچه در اینجا باید به آن توجه کرد این است آیا ثلمه، ثلمتی است که به قول معروف "لَا کِبْسُ مُسَدَّهَا شِءٌ" یا آنکه چنین نیست. آنچه به تحلیل عقلی بازگشایی این پرسش می‌پردازد آنست که "شیء" که فاعل "بَسَدَ" است ارجاع به زنده یاد افشار شود. این قول "لَا یَسَدُ مُسَدَّهَا شِءٌ"

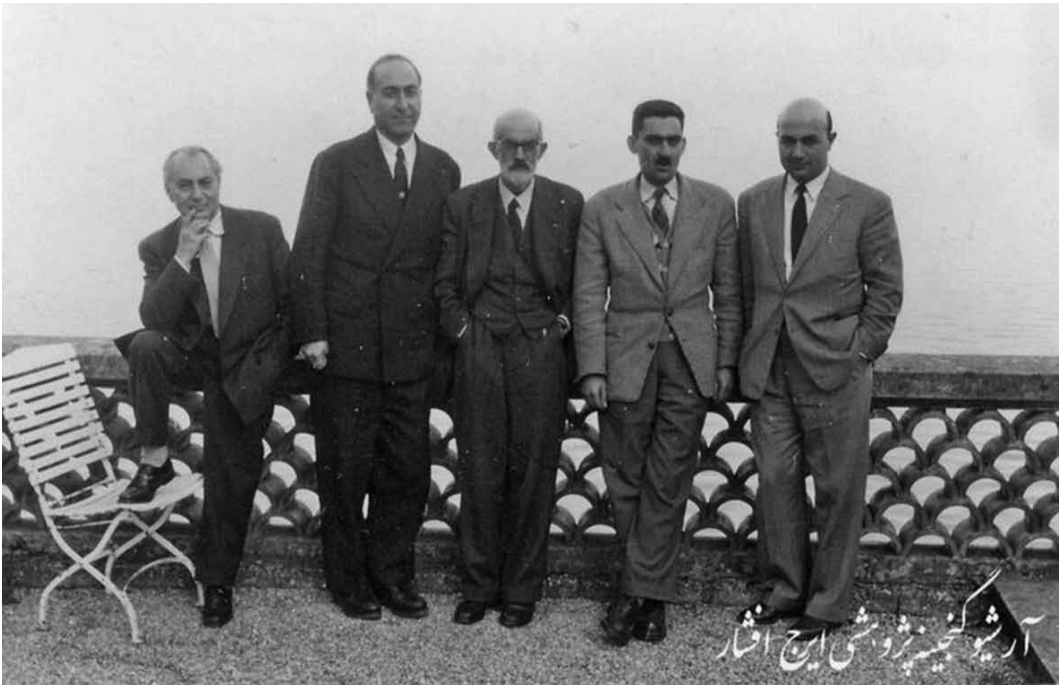
سید عبدالله انوار (زاده ۱۳۰۳)، رئیس سابق بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، از پیش‌کسوتان نسخه‌شناسی و ترجمه از زبان‌های عربی کلاسیک و فرانسه است. انوار در زمینه‌های بسیاری از جمله ریاضی، فلسفه، تاریخ، علوم اجتماعی و عربی کلاسیک کار کرده و صاحب سبک است. از جمله آثار وی با شرح و ترجمه از عربی به چاپ رسانده اند عبارتند از: کتاب شفای بوعلی سینا، شرح اشارات خواجه نصیر، منطق المخلص فخر رازی، تلویحات شیخ اشراق.

اما از آنجا که اهل تحقیق در منافع الناس اکتفاء به امکان ذاتی نمی‌کنند بلکه مهم برای آنها امکان وقوعی است و آن به قول اهل منطق از قوه به فعل درآمدن چنین امکان ذاتی است درباره پیدایی و امکان وقوعی فردی نظیر مرحوم افشار باید گفت موانع بسیار قوی و مقتضی بسیار ضعیف وجود دارد و این موانع به حدی است که باید با شاعر موافقت کرد و گفت صبر بسیار بیاید تا در حجر تربیتی پدر پیر فلک چنین فرزندی به تربیت آید زیرا اوضاعی که سرنوشت برای ایرج افشار پیش آورد و او را در مسیری انداخت تا بتواند ایرج افشار مورد بحث گردد و به ظن متأخم به یقین در زمان حال وجود ندارد تا ممکن گردد "دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد." زیرا افشار در خانه و بیتی پا به عرصه وجود گذارده بود که این خاندان بسیار غنی از حیث مال و نیز بدال بود چه ثروتی که پدر بزرگوار ایشان به دانشگاه بخشید طبق تقویم اهل خیره چندین ده میلیارد تومان است و همین استغناء خاندانی یک روحیه بی‌ارزشی به ثروت در او ایجاد کرده بود که در سفرهای مأموریتی یا دعوتی همه مخارج سفر را بدون اظهاری در کمال بی‌نیازی از جیب خود می‌پرداخت و فردی نبود که برای دو نان منت دونان کشد و نیز چون از سنین آغازین حیات اجتماعی قبله و مراد خود را کتاب و ایران‌شناسی قرار داده بود در نزد او هیچ قبله و مرادی جز کتاب ارزش نداشت و هیچکس به یاد ندارد که او سر بر آستان صاحب اقتداری به در یوزگی و تمنای مقامی فرود آورده باشد و اگر ضرورت ایجاب می‌کرد که صاحب قدرتی برای رفع نیازی به او رجوعی داشته باشد او چنان‌که رسم پست فطرت‌های متملق است با چربک‌گویی رو به حضرت آن صاحب اقتدار نمی‌گذارد و بزرگ‌منشی او صاحب قدرت را بر آن می‌داشت که آن صاحب قدرت در محضرش حاضر شود. و این هم واضح است زیرا صاحب توقع نیازمند به این در و آن در زدن است نه بی‌نیاز از صاحب مقامی صوری. او بر اثر علاقه به کارهای ایران‌شناسی و کشف رازهای مشروطیت ایران خاطرات طوفانی تقی‌زاده را به چاپ می‌رساند و برای اطلاع از حوادث ملی شدن صنعت نفت با خریدن هزاران عذاب از ماهیت ضد میهن



قولی است صحیح زیرا با پیوستن افشار به ابدیت و سرآمدن حیات او دیگر افشار حَی و زنده ای در بین نیست تا او بتواند در برابر این ثلثه قرار گیرد و به ترمیم آن پردازد و به قول منطقی‌ها این ارجاع تالی محال دارد و فاسد است و قابل طرح نیست. شق دیگر آن است که "شیء" ارجاع به مصداق دیگر شود. از آنجا که این ارجاع به نقیضی برخورد نمی‌کند به نص صریح شیخ‌الرئیس باید آن را در بقعه امکان گذاشت و امکان ذاتی آن را متصور دانست خاصه آن که در چنین امکان ذاتی، مطلب سر و کار با خیر مردم دارد که با قاعده "لطف" علمای اصول و متکلمان مؤکد می‌گردد.

سید حسن تقی‌زاده، زندگی طوفان: خاطرات حسن تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲).



دکتر محمود صناعی، ایرج افشار، سعید نفیسی، ناصرخان قشقایی و محمدعلی جمالزاده، منبع: گنجینه پژوهشی ایرج افشار

آنچه برای او ملحوظ بود کتاب بود و کتاب، لذا بهتر است که عنان قلم را رو به قبله او بگردانیم و یک یاد و نمونه از کارهای او را در این زمینه عرضه کنیم تا بر آنانی که از شهر آشنایی اند معلوم شود که متاع ایشان کجایی است. او چنانکه گفتیم حدود پنجاه سال قبل رئیس کتابخانه ملی ایران گردید. در این کتابخانه متوجه شد که در قسمت فهرست نگاری خطی کتب خطی فاقد "کار برگه" (Catalogue Carte) است و این فقدان نقیصه ای بزرگ برای فهرست نگاری است چه بر اثر نبودن چنین کاربرگه‌ای نسخ خطی بر حسب خواست‌های خاص فهرست‌نگاران به فهرست می آیند و از این جهت خیلی از مطالب (Items) نسخ خطی ملحوظ نظر فهرست‌نگار نمی‌گردد و بدین ترتیب فهرست‌ها ابتر در می‌آیند. پس کمیسینی از صاحبان نظر در این زمینه به ریاست مرحوم مجتبی مینوی تشکیل داد که مع‌الاسف امروز همه آنها جز نویسنده این سطور در زیر خاک آرمیده‌اند و این کمیسیون به شرحی که در مقدمه جلد اول فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی مسطور است توانست کاربرگه ای فراهم آورد که اگر آن را به نام "کاربرگه افشار" بنامیم جزئی قدردانی از کار او نموده‌ایم زیرا امروز آن الگوکار (Standard) برای کار فهرست‌نویسی شده و فهرست‌نگاران خطی را از تردیدهای ناشی از بی‌کار برگه‌ای به در آورده است. تا فهرست نسخه خطی‌نویسی نکرده باشید ارزش این کار برگه را

دوستان کتاب خاطرات و تأملات دکتر مصدق^۱ را حلیه چاپ می‌پوشاند و نشان می‌داد که بر پیشوای وطن پرستان چه رفته است. او با چاپ کتاب نادره کاران^۲ حسب حال بزرگان و پاکانی را عرضه کرد که از جانب سیه‌کاران چه مصائبی بر آنها رانده شده است. او چون از سوی دانشگاه تهران به سرپرستی کتابخانه حقیر مرکزی آن روز گماشته شد روزی که از آن کتابخانه به در آمد کتابخانه‌ای به دانشگاه پس داد که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های ایران بلکه خاورمیانه بود. و باز چون به سرپرستی اداره انتشارات دانشگاه منصوب شد با کوشش خود استادان را بر آن داشت که به نشر کارهای علمی خود پردازند و چون از آن کار کناره گرفت دانشگاه واجد بیش از دویست اثر علمی شده بود. او با انتشار مجله راهنمای کتاب و مجله آینده بسیار فرو بستگی‌های علمی را برای صاحبان عقد و حل علمی باز گشود. حدود هفت یا هشت ماه رئیس کتابخانه ملی شد در آنجا آیت "یخرج الحی منالمیت"^۳ را به واضح به ظهور رساند. از آنجا که در همه مشاغل

^۱محمد مصدق، خاطرات و تأملات دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۵).
^۲ایرج افشار، نادره کاران (سوگنامه ناموران ادبی و فرهنگی) ۱۳۴۰-۱۳۸۱ ش، به کوشش محمود نیکویه (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۳).
^۳ایرج افشار، کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی (تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۰).



مجتبی مینوی، ایرج افشار، حبیب یغمایی و ناشناس، منبع: گنجینه پژوهشی ایرج افشار

نمی‌دانید. او چون احساس کرد که مساله "کاغذ" و شناسایی آن در کار فهرست نویسی خطی بسیار لازم است دست به تدوین کتابی در این زمینه زد و کتابی ممتع درباره کاغذ به عنوان کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی^۱ تدوین کرد و از ویژگی‌های کاغذ مطالبی در این کتاب آورد که بسیار مفید برای فهرست‌نگار نسخ خطی شده است و شوربختانه این کتاب به زمانی از چاپخانه خارج شد که دیگر افشار در بین نظاره‌گران و فایده‌برگیران این کتاب نبود. از این دو نمونه اثری که مرحوم افشار راجع به کارهای فهرست خطی کرد این ظن ایجاد می‌شود که گویی مرحوم افشار بر خود ملزم کرده بود تا آنجا که مبهمات برای فهرست‌نگاری نسخ خطی به دست است در رفع آنها بکوشد و حاصل آن شود که اگر فهرست‌نگار به مبهمی برخورد کرد دیگر در ابهام نماند. و بدین ترتیب نقایص این فن پیچیده رفع گردد و فهرست‌نگاری خطی در نظم آید. چون بر این خصیصه به رفع ابهام نمایی افشار واقف بودم روزی در جلسه تقویم اسناد در مرکز اسناد ملی به او گفتم چه خوش است برای تقویم اسناد و نسخ خطی ارائه شونده برای فروش مشخص کنیم چه عاملی مؤثر و موجب در تقویم آنهاست زیرا مثل آنست که ملاک‌ها و عواملی که علم اقتصاد به وجه عام برای قیمت‌ها ارائه می‌دهد با قیمت‌گذاری اسناد و نسخ خطی موافقت ندارد. زیرا جمهور اقتصاددان‌ها درباره قیمت اشیاء برآنند که باید در ارزش‌گذاری

نخست قیمت را بر حسب کالایی که مورد تقویم قرار می‌گیرد به دو قسم تقسیم کرد یکی را به نام کالای با ارزش مبادله نام نهاد (exchange value / valeur echange) و دیگری را به نام کالای با ارزش شخصی (Private value/ valeur privee). و بنا بر رأی آنها ارزش مبادله‌ای آنست که کالا (goods) چون به بازار برای مبادله یعنی خرید و فروش می‌آید این عنوان را پیدا می‌کند و به عبارت دیگر برای اخذ این عنوان کالا باید در چرخه عرضه و تقاضا قرار گیرد. ولی ارزش شخصی آنست که یک شیء ارزشی فوق تصور در نزد کسی پیدا می‌کند در حالی که آن شیء در بازار به دانگی نمی‌ارزد لذا شیء‌ای که چنین ارزشی برای صاحب آن دارد و در بازار بی‌ارزش است چون فاقد خصوصیت مبادله است اولاً نباید در بحث ارزش آید و اگر در کتب اقتصادی وصف ارزش گرفته است بر حسب اطلاق مجازی با این وصف متصف شده است و محملی برای بحث ندارد. به عکس ارزش مبادله که بین اقتصاددان‌ها محل بحث می‌باشد و در منشاء ارزش آن سه قول است. قول اول از آن آدم اسمیت اقتصاددان مشهور انگلیس در کتاب ثروت ملل است و کارل مارکس هم آن را پذیرفته و در سیستم اقتصادی خود آن را عرضه کرده است. طبق این قول ارزش مبادله کالا وابسته به اندازه کار اجتماعی انباشته در حدوث آن کالا است. این قول در اینکه شرط لازم در تکوین ارزش است جای بحث نیست. ولی شرط کافی نیست چه آن

در مقابل خود رأی شارل ژید اقتصاددان معروف فرانسوی را دارد که برحسب آن ارزش کالا را بر اصل "آخرین نافعیت" (Final utility) می‌داند. او می‌گوید اگر صاحب کالایی کالای خود را بر حسب کاربرد آن کالا به تقسیماتی منقسم نماید با وجود آنکه هر یک از این تقسیمات به طور مساوی کار لازم برای احداث خود را پذیرفته‌اند ولی آنها با این نحوه از تقسیمات اگر در معرض ارزش‌گذاری قرار گیرند به هیچ وجه از ارزش‌گذاری واحد برخوردار نمی‌شوند. مثلاً اگر یک روستایی ده تُن غله تولید کند و در تولید اجزاء این ده تُن کار مساوی اعمال نماید چون این ده تُن را برای رفع حوائج زندگی خود با تقسیماتی به کار برد فی‌المثل دو تُن را برای خوراک خود کنار گذارد و بعد دو تُن دیگر را برای دام‌های شخصی و دو تُن سوم را برای لباس و حوائج غیر خوراکی و دو تُن چهارم را برای باروری مزرعه و بنای محل سکونت و دو تُن باقیمانده را برای بذر کشت آتیه. چنان که دو تُن اختصاصی برای باروری مزرعه و بنای محل سکونت بر اثر تصادف از بین رود او جانشین این دو تُن از دست رفته را هیچ‌گاه دو تُن اختصاصی برای قوت خود نمی‌کند. بلکه دو تُنی می‌نماید که فقدان آن در این سیستم تقسیماتی او کم ضررتر باشد چون دو تُن برای لباس حوائج غیر خوراکی. با این انتخاب می‌بینیم با وجودی که در ایجاد هر یک از این دو تُن‌ها کار مساوی به کار رفته است ولی از لحاظ ارزش این دو تُن‌ها با هم اختلاف دارند و بدین ترتیب نظریه کار آدام اسمیت کافی برای تبیین و توضیح ارزش نیست. این بیان‌ها در تعریف ارزش چنان که کتاب‌های اقتصادی جدید عرضه می‌دارند گویی امروز مورد اجماع نیست و اجماع در ارزش مبادله گویی قول خانم جانسون و پیروان او را پذیرفته است که قیمت کالا را نقطه تقاطع منحنی‌های عرضه و تقاضای آن کالا می‌داند و در تأیید این قول پوپر می‌گوید باید این فکر ارسطویی را از سر بیرون کرد که در پس امر جزیی یک کلی یافت و این امر را مصداق عینی و فرد جزیی آن کلی گرفت.

این نظرها در تعریف ارزش اشیاء را چون درباره ارزش اسناد و نسخ خطی با مرحوم افشار در میان گذاشتیم، به این نتیجه رسیدیم که در تعیین ارزش نسخ و اسناد نه ارزش مبادله قابل صدق است نه ارزش شخصی.

اما ارزش شخصی قابل صدق نیست زیرا سند و نسخه خطی‌ای که به بازار می‌آید دیگر به عنوان شیء تحت ارزش شخصی نمی‌گیرد زیرا شیء تحت ارزش شخصی استیحا از آن دارد که نام بازار و مبادله در برابر آن برده شود تا چه رسد که به بازار آید و تحت خرید و فروش قرار گیرد و حال آنکه از اکنون به بازار آمده است. به همینین آن تحت ارزش مبادله

نیز قرار نمی‌گیرد زیرا چنان‌که واقفان به این اسناد و نسخ اطلاع دارند بسیار اتفاق می‌افتد که نسخه یا سند متعلق به زمان احداث آنها همواره و بدون سخنی از جهت ارزش مبادله از نسخه با کار بیشتر انباشته در خود (از جهت تذهیب و خط خوش و صحافی اعلا) ولی متعلق به زمان بعدتر از زمان احداث با قیمت بالاتر گوی میدان بازار را به سوی خود می‌راند و نیز باز بسیار اتفاق می‌افتد که نسخه به خط مؤلف که بسیار بدخط و آب‌افتاده و در پاره‌ای از کلمات لایقرء است از نسخه بسیار خوش خط و تمیز و قابل خواندن بهتر و از هر حیث مفیدتر ولی متعلق به زمان‌های بعدتر از زمان مؤلف بازار مبادله را همواره از آن خود می‌کند و مضافاً نسخ خطی یک اثر یا سند محملی چندان برای منحنی عرضه و تقاضا ندارد زیرا خریدار واحدی که یک نسخه را خریدار است و در برابر خود خریدار دیگری ندارد این تقاضای او چگونه معنی تقاضایی به وجود می‌آورد که با عرضه یک نسخه باز چگونه منحنی عرضه ای می‌سازد تا با تقاطع آنها نظریه خانم جانسون ارزش‌گذاری گردد. با این ایرادات دیده می‌شود نظریات ارزش‌گذاری اقتصاددان‌ها در این عرصه راجل است و باید تعیین قیمت و ارزش این نوع کالا را از سوی و ناحیت دیگر جست. سو و ناحیتی که برحسب آن خریداران و فروشندگان اسناد نسخ خطی سال‌ها بازار آنها را اداره کرده و با خرید و فروش خود را در نهایت رضا و فارغ از گره بایع و مشتری پیش برده‌اند. دقت در کار معاملات آنها این نتیجه را داده است که آنها معاملات خود را به دست اقتصاددان‌ها نداده بلکه به عهده کارشناس واقف به حال سند و نسخه سپرده‌اند و او با خبرویت و انحواص فیزیکی نسخه از نوع کاغذ و مرکب و حُسن خط و انواع تزئینات و کم‌غلطی و زمان تحریر نسخه و کاتب آن و توجه به نیاز خریدار از یک سو رعایت انصاف و نصفت در نیاز فروشنده شود به وجهی که شائبه هیچ موجبی برای گره او در بین نباشد و نیز با اطلاع از وضع پول محل خرید و فروش قیمتی تعیین می‌کند و ابلاغ به دو طرف مبیاعه می‌نماید تا در صورت موافقت طرفین صیغه ایجاب و قبول جاری شود. با این تشخیص در مورد ارزش‌گذاری در نسخه خطی و سند مرحوم افشار یک مسأله مهم درباره این امور راه گشوده مسأله‌ای مشهور بین محشوران اسناد و نسخ خطی بود.

رحمة الله عليه رحمه واسعه

تحریر شد در قریه جوز درخک شمیران
پاییز ۱۳۹۰ شمسی



آرشيو کنجيہ پيژوشي ايج افشار